

سلسلہ مباحث اخلاق و عرفان (۱۸)

سفر بہ کعبہ جانان

فناء

تقریرات

استاد علی اللہوردی بخانی

سرشناسه	: اللهوردیخانی، علی، ۱۳۰۱ -
عنوان و نام پدیدآور	: فناء/ تقریرات علی اللهوردیخانی .
مشخصات نشر	: تهران: توسعه دانش، ۱۳۹۵ .
مشخصات ظاهری	: ۱۲۶ ص.
فروست	: سلسله مباحث اخلاق و عرفان . سفر به کعبه جانان؛ [ج.۱۸].
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۳۴۵-۱-۴
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
موضوع	: آداب طریقت
موضوع	: Customs of the order*
موضوع	: فناء(عرفان)
موضوع	: (Annihilationism (Mysticism*
شناسه افزوده	: سلسله مباحث اخلاق و عرفان . سفر به کعبه جانان؛ [ج.۱۸].
ردیف کتابخانه	: ۱۳۹۵ ج. ۱۸ س ۷۵ الف ۳/ BP۲۸۸
۵ بندی نویسی	: ۲۹۷/۸۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۳۵۹۱۰۰



سفر به کعبه جانان

عنوان • سلسله مباحث اخلاق و عرفان

فناء

تالیف و تدوین • علی اللهوردیخانی

ناشر • توسعه دانش

نوبت چاپ • اول، ۱۳۹۵

چاپ • خانه چاپ پایدار

تیراژ • ۱۵۰۰ جلد

قیمت • ۴۰۰۰ تومان

نشانی: تهران، میدان انقلاب، خیابان انقلاب، ساختمان ۳۱۰، طبقه زیر همکف

تلفن: ۶۶۴۱۵۴۵۹-۶۰

سایت: www.elmo-danesh.ir

فهرست مطالب

۷	پیشگفتار
۹	مقدمه
۱۵	فناء، نهایت حرکت
۱۶	فناءِ تعالی
۱۹	لیاقت یا عنایت
۲۸	خودنگاری یا سنگاری
۳۵	فناءِ صفاتی
۳۸	اراده اول و اراده ثانی
۴۳	استحاله خدایی با عشق
۴۹	وعده گاه لقاء
۵۶	فناءِ ذاتی
۵۹	انس و فناءِ ذاتی
۶۵	نیایش، محفل انس
۷۰	سرور در شهود
۷۵	جمع، سرّ فناء
۷۹	صدق، رمز وصال
۸۲	وصال، فناءِ تعینات
۹۰	ورود طیب الهی و وصال
۱۰۲	الفقر فخری

۱۱۳	فهرست آیات
۱۲۱	فهرست احادیث
۱۲۳	گزیده منابع و مأخذ
۱۲۵	فهرست مجلّات سفر به کعبه جانان

www.ketab.ir

پیشگفتار

کتاب حاضر بخشی از مجموعه تقریرات استاد فقید جناب علی الهوردیخانی در طی نیم قرن گذشته است که در جلسات تربیت خویش بیان فرموده‌اند.

این گنجینه ارزشمند از حقایق عالیه دین مقدس اسلام، سالیان متمادی از دسرس عموم به دور بوده تا این که در سالهای اخیر توسط جمعی ایشانی، تنظیم و به توفیق الهی برای استفاده شیفتگان مکتب اهل بیت عصمت و طهارت^(ع) به زیور طبع آراسته شده به امید آن که مقبول پیشگاه حق واقع گردد.

ضمن سپاس و قدردانی از زحمات مایه فرسای معظم‌له، از این که در زمان حیاتشان اجازه تدوین و تنظیم این مجموعه را یافته‌ایم به درگاه الهی شکرگزاریم و پیشاپیش از هرگونه سهو و خطای احتمالی به همکاران یادداشت برداری یا تنظیم و بازنویسی مطالب، پوزش می‌طلبیم. امید است که خوانندگان محترم بالاخص صاحب‌نظران و اهل فضل با نظرات عالیه خود ما را در چاپ‌های بعدی این آثار یاری فرمایند.

مقدمه

ایمان خدا را که به حکمت بالغه خود کتاب مقدس خود را فرستاد و آن را راهنمای گمشدگان وادی حیرت نمود. پرده مجاز از بهر اسرار برداشت و نعمت آزادی را بر احرار کرامت فرمود.

درود و تحیات بی شمار بر حضرات انبیاء و اوصیاء و اولیاء، بالاخص بر وجود مقدس حضرت خاتم الانبیاء محمد مصطفی (ص)، که جمیع انبیاء و اولیاء حاربان نبوت و ولایت وی اند.

الهی بی تویی عدم است، هرچه هست با نبوت ما ازیم آن دیدار را که جز جمالش همه را واپس نهاده و وجود مطهر را به نظاره بنشیند و خویشتن خویش را در این نظاره دریابد. مقصود از آفرینش، وجود انسان است و مقصود از انسان، معرفت به ذات و صفات حضرت خداوندی است و کمال این معرفت، جز از انسان راست نیاید. چه دل انسان آئینه جمال نمای الوهیت است و ظهور جملگی صفات جلال و جمال حق به واسطه این آئینه الهی است.

درود بر خردپرورانی که آئینه‌سان پذیرای تجلیات
عکس جمال جمیل حق شده و مهرآسا بر نفوس نیازمندان
تابش می‌کند و هریک را به حسب استعداد خویش پرورش
داده و از پرتگاه کژی و تباهی به شاهراه حقیقت می‌کشانند.
حقیقت، هدف توجه هر سالک و آخرین نقطه مقصود اوست.
درود بر آن قافله‌سالاران عالم بشریت که ذوق فطری
انسان‌ها را با تدبیر و تفکر و تعقل و علم و حکمت به جنبش
در می‌آورند، و بر نیروی علم و معرفت ایشان می‌افزایند تا از
پیر میانان فروزان هدایت که ارزانی داشته‌اند، استضاء
یابند و مانند بانیان باطنیه «وَدَاعِيَا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَ سِرَاجًا مُنِيرًا» را
دریابند.

آری دانایان سال لم یزلی چنین‌اند که در وادی طلب
می‌تازند و سر بر آستان ارادت می‌نهند و قوای جسمانی در
بوته ریاضت و مجاهدت می‌دازند و سر بر زانوی مراقبه،
چشم بر دریچه عنایت می‌گشایند تا کدام وقت و ساعت
پرتوی از جانان بتابد، که تابیدن همان و نقد هستی درباختن
همان. چه کمال انقطاع از ماسوی، یا اتصال به حق و
گسستن از غیر در اثر حصول صعقه جلالیه است. «كَمَا تَجَلَّى
رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَ خَرَّ مُوسَى صَعِقًا». همه حضرات اوصیاء و
اوصیاء را صعقه جلالیه فراگرفته که در حقیقت، همان ابتلاء
به دردها، گرفتاری‌ها، فشارها و سوز و گدازهاست.

عارف دلدادۀ جمال و کمال معشوق است و دلدادگی،
همان مرتبۀ تسلیم در ارادۀ معشوق. عارف کسی است که با
خدا راز می‌گوید، به جان و دل رضای او می‌جوید، دست از
اغیار می‌شوید، گل وصال می‌بوید، در میدان عبودیت

می‌پوید.

سالک عارف در اثر تقوای تام و مجاهدات و ریاضات شرعی، انشراح صدری به او دست داده و سینه‌اش محل اشراق نور توحید گشته است. او در پرتو حق می‌بیند که فاعلیت مطلقه دار وجود در انحصار ذات اقدس الهی است.

الهی کدام دل است که در آتش عشق تو نیست؟ کدام دیده که در انتظار دیدار تو نیست؟ کدام جان که در مخلب زرت تو نیست؟ کدام سر که سرمست عشق تو نه؟

دربی بر آن دلی که از شبهه و شک شسته، به مولی پیوسته و رگات بسته، سالک طریق حق باید که به توفیق الهی دل را دریا و به دل رسد. آن که دل را یافت، خدا را یافت، دل مظهر جلال و جمال کبریاست.

حب و عشق به جمال و کمال علی‌الاطلاق فطری بوده و در نهاد هر کسی به ودیعه نهاده شده است. در اثر اهتمام به مراقبه شدید، حب و عشق الهی در ضمیر سالک ظاهر گردد، لیکن علاقه به کثرت و مادیات حجاب‌های عشق فطری شده و نمی‌گذارد این پرتو ازلی ظاهر گردد. اما به واسطه مراقبه، کم‌کم حجاب‌ها ضعیف شده بالاخره از بین می‌روند، و حب و عشق فطری در ضمیر سالک، او را به سوی جمال و کمال مطلق رهبری می‌کند، به حدی که به جز خدا نبیند.

مایه این نور الهی در نهاد انسان به ودیعه گذاشته شده و فطرت او به سرچشمه خورشید لایزالی متصل است. اگر کسی خود را از تحت جاذبه نور کنار نکشد، نور الهی بر تمام سطوح وجود او می‌تابد. ما هستیم که این آب حیات‌بخش را

به شوره زارهای تمایلات و خارستان‌های خودخواهی‌ها فرومی‌ریزیم، و گرنه پیمانه وجود ما هر آنی از فیض الهی برمی‌شود.

مشاهده انوار و تجلیات الهی برای هر کسی به نسبت تزکیه نفس و تخلیه وجود از رذایل و تحلیه آن با زیورهای الهی است. به طوری که سالک می‌تواند در اثر طی این مراحل خود را به مقامی برساند که نه تجلیات و انوار، که جمال و جلال الهی را بی‌پرده مشاهده نماید. اما انحرافات و عاصی‌ها و عیب‌ها و از دیاد حجابات شده، به جایی می‌رسد که حتی اثر و اثبات انوار و تجلیات الهی را مشاهده نمی‌کند.

مردا همه کمالات، معرفت به حق و ترک هوی‌های نفسانی است و تمام نقائص، خدانشناسی و ضعف ایمان و حب نفس است. از این راه اصلاح همه مفسده‌ها، معرفت به حق و ترک مستی‌های نفسانی است.

صاحب‌دل کسی است که از آتش جسمانیات مبری و از شوائب مادیات معرّی بوده، در تهذیب نفس و تحصیل علم باطنی کوشد. چه، علمی که از باطن سرچشمه گیرد، قلب را خاشع نماید و زبان را راست گرداند و لغت و بیان را از هرگونه تلبیس و انحراف باز دارد.

اعطای علم به نسبت مراتب عشق است. باید دانستیم که علم شریعت آموختنی است، علم حقیقت یافتنی است. علم شریعت به تلقین است، علم حقیقت به نور یقین است. حقیقت، آفتابی است که سالک به نور عزت از آفاق دل بیند.

علمای ربانی تمام علوم حقه را در پرتو تصفیه باطن و تهذیب نفس دریافته و همه را در انوار وجه الهی ادغام نموده

به کعبه جانان رسیده‌اند. الهی ما را در زمره عاشقانی قرار ده که از آب و گل، از جان و دل درگذشتند، از قید دنیا و عقبی خویشان را رهانیدند، خود را با توبهٔ نصوح بیاراستند.

شاهراه دین را بدایتی است و نہایتی. بدایت اهل شریعت راست، نہایت اهل حقیقت را. عمل اهل شریعت، خدمت است بر شریعت. اما صفت اهل حقیقت، علاوه بر آن، تربیت است بر مشاهدت. قاعدهٔ اهل شریعت را به سهولت نهادند. خدا به آنها رخصت‌ها داد که آنها مستضعفین‌اند، بار سنگین را از دوش آنها برداشت، زیرا که طاقت کشیدن چنان باری ندارند. اما دوش اهل حقیقت را بر صعوبت نهاد «جَاهِدُوا فِي رَحْلِ جَهْدٍ».

درود حق را از جوت‌مردانی که اعلام اسلامند، امان جهانند، بر سر کوی معرفت دایانند بر لب چشمه حقیقت ساقیانند.

درود بی‌حد و حصر بر حبیب خدا (ص)، مهتر عالم، سید مکرّم که خداوند متعال فرمود: ای حبیب من! هرکس ترا یافت، ما را یافت «إِنَّ الدِّينَ يَبَايِعُوكَ إِنَّمَا يَبَايِعُونَ اللَّهَ»